هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

**به تأخیر انداختن انتخابات فاجعه بار خواهد بود**

ص۲

**امریکا و برنامه های اتومی در کشور های اسلامی**

ص۳

آدرس مجاهد در انترنت

www.mujahedweekly.com

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ هشتم شنبه ۲۲ سرطان ۱۳۸۷- ۸ رجب المرجب ۱۴۲۹ - 12, July 2008

# هفتهٔ خونین برای غیر نظامیان

هفتهٔ گذشته یکی از هفته های خونین در کشور بود، ده ها تن غیر نظامی، که شمار زیادی زن و کودک درمیان آنان وجود داشت، مورد حملهٔ نیروهای درگیر قرار گرفتند و جان های خویش را از دست دادند.

به تاریخ ۱۴ سرطان بر اثر یک حملهٔ نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا، بر یک کاروان غیرنظامیان که قصد داشتند از صحنهٔ جنگ فرار کنند، حدود ۴۰ تن غیر نظامی کشته شده و شمار دیگر زخم برداشتند.

به تاریخ ۱۶ سرطان در یک مورد دیگر، هواپیماهای امریکایی بر موترهای حامل افرادی که از یک مراسم عروسی باز می گشتند حمله کردند، در این حمله که در ولسوالی هسکه مینهٔ ولایت ننگرهار واقع شد، بیش از ۴۰ تن که درمیان آنها داماد نیز شامل بود جان دادند.

در حادثهٔ خونین دیگر در شهر کابل، که این بار مخالفین دولت عامل آن شناخته شدند، بیش از ۴۰ تن غیر نظامی که شمار آنان زنان و کودکان و محصلین بودند کشته شدند، در این حادثه، که ظاهراً سفارت هندوستان هدف قرار گرفته بود، بیش از صدتن مجروح شد.

حوادث دیگری نیز در گوشه و کنار کشور واقع شد که جان شمار دیگر غیرنظامیان را گرفت.



# عامل حمله بر سفارت هندوستان کیست؟



**با توجه به میزان حساسیت پاکستان از حضور گستردهٔ هند در افغانستان، و این که این مسأله بارها در رسانه های پاکستان نیز مطرح شده است، در نگاه اول طبیعی می نماید که باید پاکستان را مقصر دانست، اما با توجه به آنچه که گفته آمدیم، این مسأله می تواند ابعاد دیگری نیز داشته باشد، که باید مقامات دولت افغانستان قبل از هرگونه موضع گیری، به آن توجه نماید.**

ادامه درص۲



اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت شهادت

## حاجی حبیب الله قندهاری

### یکی از فرماندهان پیشین جهاد و عضو مجلس نمایندگان شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی:

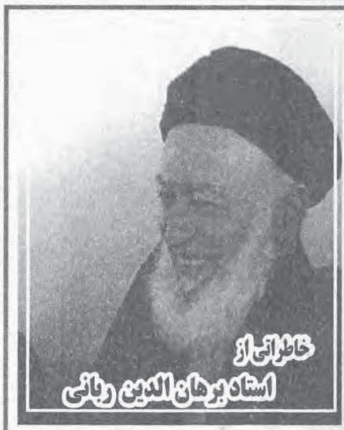
من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوالله علیه فمهنم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلاً

"در جمع مؤمنان مردانی اند که برآنچه با خدا عهد بسته بودند صادق ماندند، برخی از آنان پیمان خویش را ادا کردند وشهید شدند وکسانی دیگر از آنان در انتظار شهادتند و درپیمان خود تغییری ندادند".

حاجی حبیب الله قندهاری از چنین مردانی استواربود، پیوسته در راه آزادی واستقلال کشورش مبارزه وجهاد کرد و در عهدی که با خدای خویش بسته بود خللی راه نداد. او از فرماندهان نام آور جهاد در ولایت قندهار بود، سرزمین مرد خیز و مردم شرافتمند و غیور قندهار شاهد رشادت ها و شهامت های این فرزند رشید خودهستند.

حاجی حبیب الله از ولسوالی ژیری قندهار و یکی از فرماندهان جمعیت اسلامی افغانستان بود. هر چند او متعلق به قوم علی زی بود اما با جهاد و مبارزاتش یکی از شخصیت های مورد احترام در میان همهٔ مردمان این ولایت به شمار می رفت.

ادامه درص۸




**خاطره هایی از شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور**

**تلویزیون نور به مناسبت هشتم ثور سالروز پیروزی جهاد مردم افغانستان مصاحبه یی با پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت انجام داده است که در بخش هشتم این مصاحبه استاد از خاطرات خویش در مورد شهید احمدشاه مسعود و عقب نشینی از کابل می گویند که خدمت خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد تقدیم می شود.**

ادامه در ص۵

به بهانهٔ سی و پنجمین سالگرد کودتای ۲۶ سرطان

# حاکمیت داوود خان در یک نگاه



**سی و پنج سال از کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ محمد داوودخان و سرنگونی رژیم سلطنتی می گذرد. بعضی ها این تحول را یک رویداد مثبت تاریخی ارزیابی نموده و نظام جمهوری را در پی شاهی مشروطه و میراثی یک نظام مترقی و ممثل حاکمیت مردم دانسته اند.**

**ولی سؤال این است که آیا واقعاً چنین بوده است؟**

ادامه درص۳

# نشست سران گروه هشت برگزار شد



اجلاس سالیانهٔ سران گروه هشت متشکل از امریکا، روسیه، جاپان، آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و کانادا در جزیرهٔ هوکایدو در شمال جاپان، برگزار گردید. یاسوفوکودا نخست وزیر جاپان در سخنرانی افتتاحیهٔ خویش گفت: کنفرانس سران گروه هشت با شماری از رهبران کشورهای افریقایی جهت کاهش فقر در قارهٔ افریقا گفتگو خواهد کرد.

ادامه درص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# به تأخیر انداختن انتخابات فاجعه بار خواهد بود

چندی پیش رئیس کمیسیون انتخابات در یک نشست خبری اعلان کرد در صورت نبود امنیت، انتخابات ریاست جمهوری به تعویق خواهد افتید.

سخنان آقای عزیز الله لودین رئیس این کمیسیون نشانهٔ آن است که دولت آقای کرزی با بهانه قرار دادن نبود امنیت و ادامهٔ جنگ، در صدد لغو و کنار گذاشتن برنامه های ملی و روند دموکراسی در کشور است، دولت می خواهد با بهانهٔ نبود امنیت، انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری را به تأخیر افگنده عمر حاکمیت خویش را طولانی تر سازد. چندی پیش نیز با بهانهٔ نبود امنیت و همزمان شدن توزیع کارت های انتخابات و انجام عملیهٔ سرشماری، برنامهٔ سرشماری را به تعویق افگند.

اگر دولت آقای کرزی چنین تصمیمی را در سر داشته باشد و آن را به مرحلهٔ اجرا گذارد ضربات جبران ناپذیری بر ثبات کشور وارد خواهد شد.

نخستین پی آمد این اقدام از میان رفتن مشروعیت دولت می باشد، تا هنوز حاکمیت آقای کرزی با راه کارهای مختلف و متعددی تمدید شده است، اما آن راه کارها مبتنی بر پروسه های ظاهراً دموکراتیک صورت گرفته و قناعت نسبی مردم را فراهم نموده است.

برقراری و یا ابقائ حاکمیت آقای کرزی در گذشته در اجلاس بن، لویه جرگه و انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۳ صورت گرفت، اما فکر می شود، دیگر زمینهٔ قانونی و اخلاقی برای تمدید حاکمیت آقای کرزی در بهار ۱۳۸۸ وجود ندارد.

عنوان کردن نبود امنیت و تعویق انتخابات، پیروزی بزرگ روانی برای شورشیان بوده، اعتراف آشکاری بر ضعف نظام می باشد، فراهم نبودن زمینهٔ انتخابات به علت نا امنی به این مفهوم است که، ساحه قابل ملاحظه از کشور تحت کنترول طالبان قرار داشته، دولت در آنجا حضور ندارد. با این اعتراف، دولت به نفع مخالفان مسلح تبلیغات مؤثری انجام می دهد، اعتماد برجا ماندهٔ مردم نسبت به دولت را از میان برده و به روحیهٔ هوا داران و سربازان خویش ضربهٔ مهلکی وارد می نماید. از جانب دیگر، با چنین پیش آمدی مردم افغانستان یقین حاصل خواهند کرد، که زمامداران فعلی با هر قمیتی در صدد ادامه حاکمیت و برقراری دکتاتوری بوده از توسل به هیچ بهانه امتناع نخواهند کرد.

به تأخیر افتیدن انتخابات، شکست آشکار جامعهٔ بین المللی در رأس امریکا، و پیروزی سیاسی گروه طالبان را ثابت می سازد. امریکا ظاهراً پیاده کردن دموکراسی در افغانستان را مهم ترین دست آورد مداخلهٔ نظامی خویش می داند، تعویق انتخابات و تمدید حکومت شکست این دست آورد را ثابت می کند. این شکست باعث تضعیف حمایت شهروندان امریکایی و دولت های اروپایی از ادامهٔ مأموریت سربازان شان در افغانستان شده، پیروزی بزرگی برای گروه های مخالف مسلح طالبان و حامیان بین المللی آنها یعنی سازمان القاعده و برخی از کشورهای دیگر منطقه حساب می شود.

علاوه بر مخالفت داخلی فکر می شود برای دولت آقای کرزی دشوار خواهد بود تا بتواند، جامعهٔ جهانی را به حمایت سیاست طولانی سازی حاکمیت خویش متقاعد سازد، در اعلامیه ها و اظهارات مجامع معتبر بین المللی مانند نشست وزرای خارجهٔ گروه هشت، که در ۲۶ جون در جاپان دایر شد بر برگزاری انتخابات شفاف در افغانستان تأکید روشن صورت گرفته است.

# عامل حمله بر سفارت هندوستان کیست؟

وحید مژده



ساعت هشت و بیست و شش دقیقهٔ صبح روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته صدای انفجار عظیمی شهر کابل را لرزاند. یک حمله کنندهٔ انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری را در مدخل سفارت هند منفجر نمود و حدود دو صد تن را کشته و زخمی ساخت.

اکثریت کشته ها و مجروحان این حادثه مردم غیر نظامی بودند زیرا حمله زمانی صورت گرفت که در این نقطه تجمع مردم غیر نظامی بیشتر بود. شاید به همین دلیل هیچ گروهی مسؤولیت این فاجعهٔ خونین را به عهده نگرفت.

حمله توسط یک انتحار کننده صورت گرفته است و این خود نشان می دهد که در آن انگیزهٔ قوی مذهبی وجود داشته است. چنین انگیزه یی را در میان طالبان و هواداران آنان بیشتر می توان سراغ نمود. اما چرا طالبان مسؤولیت این کار را به عهده نگرفتند؟

حتی اگر در این جریان هیچ غیرنظامی نیز کشته نمی شد، قبول چنین مسؤولیتی از جانب طالبان، اعتراف مستقیم آنان به وابستگی به پاکستان به شمار می آمد، که طالبان چنین نمی خواهند. هرچند دولت افغانستان به صورت آشکار پاکستان را در این ماجرا متهم به شمار آورد اما، دست زدن به این عمل از جانب پاکستان به خصوص در شرایط موجود که آن کشور سخت تحت فشارهای بین المللی قرار دارد، تا نقش فعال تری در مبارزه علیه تروریسم ایفا نماید، زیاد منطقی به نظر نمی رسد. سؤال این است که چنین کار با انگیزهٔ مذهبی را چه کسانی انجام داده اند؟

همانگونه که برای کمک به امریکا در جنگ علیه القاعده و طالبان، حدود چهل کشور در افغانستان حضور نظامی دارند، به حمایت از طالبان نیز ده ها گروه جنگجو به میدان نبرد افغانستان آمده اند. از عرب ها از کشورهای مختلف گرفته تا ازبیک ها، چچن ها، پاکستانی ها و کشمیری ها. آنها آمده اند تا در میدان نبرد افغانستان سهم خود در جنگ علیه امریکا و غرب که آنها را دشمنان اسلام می خوانند ادا کنند. آنها می گویند که وقتی به دفاع از امریکا و انتقام از ماجرای یازدهم سپتامبر، تمام گویا صلیبی ها به افغانستان آمده اند و جنگ صلیبی را علیه مسلمانان براه انداخته اند، برمسلمانان لازم است که از هرجای دنیا به کمک طالبان بشتابند.

هرچند می دانیم که حضور بخش بزرگی از سربازان کشورهای غربی در افغانستان سمبولیک است، اما همین مسأله را می توان یکی از انگیزه های پیوستن جنگجویان خارجی به صف طالبان دانست. در میان آنان گروه هایی از کشمیر تحت کنترول هند نیز شامل اند که سال هاست علیه دولت هندوستان می جنگند و دولت هند نیز پاکستان را به حمایت از جدایی طلبان کشمیری متهم می نماید. اما در میان کشمیری ها هم کسانی وجود دارند که معتقد اند پاکستان و به خصوص آی اس آی از قضیهٔ کشمیر وسیله یی برای مقاصد سیاسی و نظامی خود استفاده می کند. مخالفت با پاکستان در میان آن گروه ها نیز وجود دارد.

همهٔ این گروه ها در مبارزه علیه امریکا و غرب با هم نظر یکسان دارند، اما هرکدام این گروه ها در سیاست های منطقوی و ملی با دیدگاه خاص خود عمل می کنند. این گروه ها پیرو استراتژی سازمان القاعده اند، اما هریک از آنها از کشور جداگانه آمده اند که تعریف خاصی از منافع گروهی خود در محدودهٔ کشور خود دارند. هریک از آنها

**اکثریت کشته ها و مجروحان این حادثه مردم غیر نظامی بودند زیرا حمله زمانی صورت گرفت که در این نقطه تجمع مردم غیر نظامی بیشتر بود. شاید به همین دلیل هیچ گروهی مسؤولیت این فاجعهٔ خونین را به عهده نگرفت.**

***

**همانگونه که برای کمک به امریکا در جنگ علیه القاعده و طالبان، حدود چهل کشور در افغانستان حضور نظامی دارند، به حمایت از طالبان نیز ده ها گروه جنگجو به میدان نبرد افغانستان آمده اند.**

در کنار دشمن مشترک، دشمنان خاص خود را نیز دارند. به عنوان مثال جمعیت المقاتله شاخهٔ لیبیایی القاعده به شمار می آید و یا طالبان را می توان شاخهء افغانی القاعده خواند، اما این گروه ها در تصمیم گیری های مربوط به کشور خود از القاعده دستور نمی گیرند، بلکه برنامه های خاص خود را دارند. گاهی این نوع عملکرد های خودسرانه می تواند مشکل آفرین باشد.

در دوران حاکمیت طالبان و زمان حملهٔ اول آنان به مزارشریف، گروهی از جنگجویان مربوط به سپاه صحابه که با طالبان همراه بودند، به قونسلگری ایران در آن شهر حمله بردند و جمعی از دیپلومات های آن کشور را کشتند. این عمل موجب ایجاد مشکلی برای طالبان شد که تا آخرین روزهای حاکمیت شان پا برجا باقی ماند.

طالبان در زمان حاکمیت شان با مهمانان قدرتمندی چون اسامه به همین مشکل مواجه بودند. تلاش های مولوی وکیل احمد متوکل برای این که اسامه را از مصاحبه با رسانه ها بازدارد نیز زیاد ثمر بخش نبود. این مشکلات در شرایطی بود که طالبان به عنوان دولت عمل می کردند و قدرت اجرایی داشتند، اما امروز طالبان بسیار کمتر از گذشته توان کنترول خود سری های گروه های هم پیمان خود را دارند.

ماجرای سفارت هند را می توان عملی از این دست دانست. به گمان نزدیک به یقین می توان گفت که، یک گروه از همرزمان خود سر و به گمان اغلب از گروه های کشمیری این کار را سازمان دادند و با عملی کردن آن، فاجعهٔ عظیمی آفریدند. تلفات غیرنظامی این عمل موجب گردید که هیچ گروهی مسؤولیت این جنایت هولناک را به عهده نگیرد، اما دولت افغانستان در این رابطه پاکستان را متهم می داند.

حتی اگر این حمله از جانب طالبان محکوم هم شود و میان آنان و هواداران کشمیری شان به بروز اختلاف نیز منجر گردد، برای القاعده که خواهان گسترش دامنهٔ تشنج به تمام این منطقه است، این عمل می تواند خوش آیند باشد. زیرا با این کار روابط سرد میان افغانستان و پاکستان سرد تر خواهد شد و این حملهٔ تروریستی تأثیر مشابه میان روابط اسلام آباد و دهلی نیز خواهد داشت.

با توجه به میزان حساسیت پاکستان از حضور گستردهٔ هند در افغانستان، و این که این مسأله بارها در رسانه های پاکستان نیز مطرح شده است، در نگاه اول طبیعی می نماید که باید پاکستان را مقصر دانست، اما با توجه به آنچه که گفته آمدیم، این مسأله می تواند ابعاد دیگری نیز داشته باشد، که باید مقامات دولت افغانستان قبل از هرگونه موضع گیری، به آن توجه نماید.

# حاکمیت داوودخان در یک نگاه

محمدنسیم فقیری

سی و پنج سال از کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ محمد داوودخان و سرنگونی رژیم سلطنتی می گذرد. بعضی ها این تحول را یک رویداد مثبت تاریخی ارزیابی نموده و نظام جمهوری را در پی شاهی مشروطه و میراثی یک نظام مترقی و ممثل حاکمیت مردم دانسته اند.

ولی سؤال این است که آیا واقعاً چنین بوده است؟

در قانون اساسی رژیم سلطنتی مصوب سال ۱۳۴۳هـ ش بر طبق ماده بیست و چهارم آن، اعضای خانوادهٔ پادشاهی از شمولیت در احزاب سیاسی و احراز وظایف آتی منع شده بودند:

۱- صدارت عظمی یا وزارت

۲- عضویت شورا

۳- عضویت ستره محکمه

این قید و منع در یک رژیم سلطنتی یک امر بسیار مهم، دموکراتیک و در خور تأیید است ولی بر داوود خان بسیار گران آمده بود و او را برآشفته ساخته بود.

داوودخان در نخستین بیانیهٔ رادیویی پس از کودتا، نظام سلطنتی را یک نظام فاسد و دموکراسی آن را قلابی خواند، نظامی که ده ها سال خود و کاکاهایش ریاست حکومت آن را بر عهده داشتند! و در آن دموکراسی قلابی آزادی فکر و بیان از تعرض مصؤون بود (مادهٔ سی و یک) و ده ها نشریهٔ آزاد به نشر می رسید و تظاهرات و اجتماعات ضد دولتی دایر می گردید...

ولی داوودخان که به نظام شاهی خاتمه داد و نظام جمهوری را اعلان کرده بود، قدرت را در دست خود متمرکز ساخته و به نام رئیس دولت و رئیس جمهور مطلق العنان حکومت می کرد. او پست های ریاست دولت، صدارت عظمی، وزارت دفاع و خارجه را در چند سال اول کودتا، شخصاً به عهده داشت و کس دیگری را شایستهٔ آن نمی دانست.

برادرش محمد نعیم خان در حالی که پست مشخص دولتی نداشت، در عمل به مراتب بیشتر از یک ولی عهد در امور کشور مداخله داشت و در اکثر مواقع به حیث نمایندهٔ خاص او، سفر ها داشت و عملاً وزیر خارجه بود.

داوود خان که در نخستین بیانیه اش از قایم ساختن یک نظام واقعی و معقول برای سعادت آیندهٔ وطن صحبت کرده بود، نماد و جلوه های عملی آن دموکراسی چنین بود:

۱- آزادی گفتار و بیان و نشر جراید آزاد سلب و منع گردید.

۲- برگزاری اجتماعات و تظاهرات ممنوع شد و فقط در تأیید دولت و مدح داوودخان اجتماعات دولتی دایر می گردید.



**داوودخان که به نظام شاهی خاتمه داد و نظام جمهوری را اعلان کرده بود، قدرت را در دست خود متمرکز ساخته و نام رئیس دولت و رئیس جمهور مطلق العنان حکومت می کرد. او پست های ریاست دولت، صدارت عظمی، وزارت دفاع و خارجه را در چند سال اول کودتا، شخصاً به عهده داشت و کس دیگری را شایستهٔ آن نمی دانست**

۳- انتخابات و پارلمان به فراموشی سپرده شد.

۴- بالاخره به اساس قانون اساسی سال ۱۳۵۵ برای تربیت سیاسی مردم افغانستان! سیستم یک حزبی در کشور به رهبری حزب انقلاب ملی که بانی و پیش آهنگ انقلاب مردمی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ است، برقرار شد.

۵- شورا نیز بر طبق قانون به نام ملی جرگه بایست به میان می آمد. ولی اعضای آن- مانند کشورهای کمونیستی- از جانب حزب پیشنهاد می شد.

۶- رئیس جمهور، معاون یا معاونان آن باید از حزب باشند و در ترکیب لویه جرگه اعضای شورای مرکزی حزب باید شامل باشند!

۷- ایجاد فضای رعب و اختناق و سرکوب توسط دولت و به خصوص والیان و ولسوالان پرچمی – که عناصر ضد دموکراسی و طرفدار دیکتاتوری بودند – نمونه های بارز مخالفت داوودخان با دموکراسی بود. صدها تن به جرم داشتن عقاید سیاسی مخالف و یا انتقاد از دیکتاتوری به زندان های افگنده شده و شکنجه شدند.

دستگاه پلیس و استخبارات آزادی خواهان را تحت تعقیب قرارداده بود و پرچمی ها داوطلبانه برای دولت جاسوسی می کردند؛ زیرا در وزارت داخله و امنیت نفوذ کرده بودند، حتا اکثر اعضای هیأت وزارت داخله و محکمهٔ نظامی وزارت دفاع را اینان تشکیل می دادند.

ستیز داوودخان با دموکراسی چنان واضح و آشکاربود که حتا عبدالحمد مبارز- که داوودخان را بسیار ستوده است- او را با دموکراسی و آزادی های اساسی آشتی ناپذیر می داند.

امروز افرادی از گروه های پرچم و مأموران عالی رتبه و یا پائین رتبهٔ رژیم های شاهی و جمهوری داوودخان، و افراد آمده از غرب که مبلغین دموکراسی دانسته می شوند، طی مصاحبه ها و نوشته ها داوودخان را مدح و ستایش می نمایند.

هرگاه داوودخان این چنین قابل تأیید و ستایش باشد پس این گروه چرا به نظام و حیات او و خانوادهٔ او با یک کودتای خاینانه و خونین خاتمه دادند.

آیا از غرب آمده ها نظام دکتاتوری داوود خان را بهترین الگوی حکومت می شناسند؟ آیا هواداران نظام شاهی به کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ که سلطنت محمد ظاهر شاه سرنگون گردید راضی می باشند؟

# امریکا و برنامه های اتومی در کشور های اسلامی

ابوبکر سبزوار

داکتر عبدالقدیرخان دانشمند اتومی پاکستان که به پدر بمب اتومی این کشور نیز مشهور است، پس از چند سال از بازداشت خانگی آزاد گردید و توانست تا با وکیل مدافع خود مشورت نماید. وی در مصاحبهٔ تیلفونی با یکی از رسانه ها گفت که از انتقال وسایل و اطلاعات اتومی به کوریای شمالی توسط وی، مقامات نظامی پاکستان بی اطلاع نبودند. وی این اتهام را رد کرد که گویا وی به خاطر منافع شخصی دست به این کار زده است.

سخن عبدالقدیر خان پای مقامات بالارتبهٔ اردوی پاکستان، از جمله پرویز مشرف را نیز به میان می کشد. بدون تردید ارسال چنان تکنولوژی پیشرفته و حساس به کشور های دیگر، نیاز به امکانات از جمله طیارات مخصوص دارد و این گونه عملیات را یک فرد نمی تواند انجام دهد.

چند سال قبل با افشای این راز، که برنامهٔ اتومی کشورهای کوریای شمالی و ایران با برنامهٔ اتومی پاکستان در ارتباط است، عبدالقدیر خان دانشمند پاکستانی را در مظان اتهام فروش تکنالوژی اتومی به ایران و کوریای شمالی قرار داد و وی در خانه تحت نظارت قرار گرفت.

ترس از دستیابی کشور های دیگر اسلامی به تکنولوژی اتومی، موجب نگرانی همیشگی



امریکا و اسرائیل است. امریکا در دههٔ هفتاد میلادی در برابر تلاش پاکستان برای دستیابی به تکنولوژی اتومی، به این دلیل مخالفت نکرد که پاکستان در جنگ سال ۱۹۷۱ در برابر هند شکست خورد و پاکستان شرقی به نام بنگلادش از پاکستان جدا شد. در دوران جنگ سرد، هندوستان روابط نزدیک با اتحاد شوروی داشت و این مسأله هم در سهل گیری غرب در برابر برنامهٔ اتومی پاکستان بی تأثیر نبود. به خصوص که هندوستان از قبل کار روی برنامهٔ اتومی خویش را آغاز کرده بود.

**یکی از تاثیرات مهم داشتن سلاح اتومی خاصیت بازدارندگی آن است... تأثیر بازدارندگی سلاح اتمی به این معنی است که، کشور دارندهٔ سلاح به یک حریم غیر قابل تجاوز مبدل می شود و این نکته خود نشان می دهد که چرا امریکا و اسرائیل نمی خواهند کشور های اسلامی سلاح اتمی داشته باشند.**

پاکستان کشوری فقیر بود و توان مالی آن را نداشت، که در کوتاه مدت به تکمیل این برنامه موفق گردد. برای غنی ساختن یورانیم، برای مقاصد نظامی به پانزده الی سی هزار (سنترفیوژ) ضرورت بود. داکتر عبدالقدیر خان که قبلاً در یک مرکز اتومی در هالیند مشغول کار بود، به پاکستان آمد و از طرف ذوالفقار علی بوتو مأموریت یافت تا طرحی برای برنامهٔ اتومی پاکستان بریزد.

تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان، موقع بسیار مساعدی برای پاکستان فراهم آورد، تا به تکمیل برنامهٔ اتومی خویش بپردازد. پاکستان به عنوان کشور سنگر اول مبارزه علیه کمونیزم، از امکانات فراوان مالی برخوردار شد و برنامهٔ اتومی این کشور در زمان زمامداری جنرال محمد ضیاء الحق انکشاف فراوان نمود. در آن زمان شایعاتی به میان آمد که هندوستان شاید به تأسیسات اتومی پاکستان حمله نماید، اما این کار صورت نگرفت.

یکی از تاثیرات مهم داشتن سلاح اتومی خاصیت بازدارندگی آن است. از زمانی که هند و پاکستان به سلاح اتمی دست یافته اند از جنگیدن اجتناب نموده اند حتی در ماجرای کارگیل که نیروهای مخالف دولت هند که مورد حمایت پاکستان بودند یک بلندی استراتژیک را در داخل خاک هند متصرف شدند، اما هند با پاکستان اعلان جنگ نکرد.

تأثیر بازدارندگی سلاح اتمی به این معنی است که، کشور دارندهٔ سلاح به یک حریم غیر قابل تجاوز مبدل می شود و این نکته خود نشان می دهد که چرا امریکا و اسرائیل نمی خواهند کشور های اسلامی سلاح اتمی داشته باشند.

روز یکشنبه هفت جون سال ۱۹۸۱ اسرائیل به مرکز اتمی عراق حملهٔ هوائی نمود. این حمله به وسیلهٔ هشت طیارهٔ F16 و پنج طیارهٔ F15 انجام گرفت. در این زمان عراق درگیر جنگ با ایران بود و در این جنگ از حمایت امریکا نیز بهره می برد. این مرکز اتمی به همکاری فرانسه ساخته شده و نزدیک به بهره برداری بود. بمباران بسیار سنگین بود و هشت طیاره اف ۱۶ هرکدام دو بمب یک تنی بروی این مرکز پرتاب کردند که مرکز اتمی (اوسیراک) عراق با خاک یکسان شد. اما حمله زمانی صورت گرفت که هیچ فرانسوی در این مرکز حضور نداشت.

ادامه در ص۵

# احتمال حمله بر ایران

## عوامل و پیامدها

بخش دوم

عبدالمعین شاهد



**کارشناسان عقیده دارند، تهدید ایران شاید به منظور اعمال فشار روانی و سیاسی علیه آن کشور به کار گرفته شود، تا در مذاکرات سیاسی بسته های تشویقی گروه (۵ +۱) را بپذیرد و غنی سازی یورانیوم را کنار گذارد.**

### پی آمدهای حمله بر ایران

بدون شک حمله بر ایران از سوی امریکا و اسرائیل دارای پیامدها و اثرات فاجعه باری خواهد بود. از دید صاحب نظران این پی آمد ها برای منطقه وصلح جهانی غیر قابل جبران می باشد، جدی ترین هشدار از سوی محمد البرادعی رئیس آژانس اتمی ملل متحد عنوان شده است. وی گفته است حمله بر ایران منطقه را به گلولهٔ آتش تبدیل خواهد کرد، البرادعی تهدید نمود، در صورت وقوع چنین حمله از سمتش استعفا خواهد داد.

کارشناسان عقیده دارند، جمهوری اسلامی ایران را نمی توان با حکومت صدام حسین و یا اداره طالبان مقایسه کرد، ایران دارای امکانات قابل توجه تسلحیاتی وگزینه های متعدد آسیب رسانی بر نیروهای مهاجم می باشد و می توانند مشکلات بزرگی را برای امریکا و اسرائیل ایجاد کند.

### واکنش های ایران در برابر امریکا و اسرائیل

حملهٔ متقابل بر اسرائیل و بر نیروهای امریکایی مستقر در منطقه، یکی از گزینه های ایران می باشد، فرماندهان نظامی ایران ادعا دارند، که می توانند بر اسرائیل و پایگاه های امریکایی ضرباتی مهلکی وارد کنند. موشک های دور برد وجنگ افزار های دریایی، از جمله تسلحیات پیشرفتهٔ ایران دانسته می شود. ایران موشک های دور برد در اختیار دارد، موشک های شهاب ۳ که به تاریخ ۱۹ سرطان سال جاری در مانور به نام پیامبر اعظم از سوی نیروهای نظامی ایران آزمایش شد، برد ۲۰۰۰ کیلومتر دارد که می تواند به آسانی اسرائیل را هدف قرار دهد.

استفاده از نفت به عنوان سلاح، واکنش دیگری جمهوری اسلامی در مقابله با امریکا و اسرائیل خواهدبود، با وقوع حمله بر ایران ۴۰۰۰ بشکه نفت صادراتی ایران که چهارمین صادر کننده بزرگ نفت می باشد، متوقف می شود و علاوه بر آن، ایران تهدید کرده است، تنگهٔ هرمز را که از طریق آن بخش عمده، نفت عراق و کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس صادر می شود، مسدود خواهد نمود. طبق پیش بینی کارشناسان اگر ایران بتواند تنگهٔ هرمز را ببندند، در این صورت بهای نفت از مرز بشکهٔ ۳۰۰ دالر خواهد گذشت که برای اقتصاد جهانی در حکم فاجعه خواهد بود، تصور صعود بهای نفت تا سقف ۳۰۰ دلار، مردم امریکا و اروپا را با شوک رو به رو خواهد ساخت. فکر می شود، نگرانی از بسته شدن تنگهٔ هرمز می تواند به عنوان مهم ترین عامل بازدارندهٔ جنگ، عمل نماید. چون این کار مخالفت شدیدی را در امریکا و اروپا علیه جنگ بر می انگیزد. اخیرا اوباما گفته است که تهدید ایران باعث بلند رفتن قیمت نفت در جهان شده است.

تقویت مخالفت و مبارزهٔ گروه های مسلح مخالف امریکا در عراق و افغانستان، گزینهٔ دیگر ایران در مقابله با امریکا خواهد بود، ایران می تواند گروه های شیعهٔ هوادار خویش در عراق را مسلح ساخته و ارتش امریکا را در آن کشور را بیش از این زمین گیر سازد. همچنان ایران ممکن است با گروه طالبان در افغانستان رابطه برقرار نموده و آنها را بر ضد امریکا و دولت افغانستان تقویت نماید.

شدت بیشتر شورش و جنگ در افغانستان برای نیروهای خارجی و دولت، غیر قابل تحمل خواهدبود. فکر می شود، جمهوری اسلامی ایران در یافتن متحدین جدید از میان گروه های سنی که در آرزوی ضربه زدن به امریکا و اسرائیل می باشند، شانس زیادی به دست خواهد آورد و نزدیکی بی سابقه میان سازمان القاعده و گروه های مبارز شیعی ایجاد خواهد شد.

همچنان ایران به قدر کافی جنگ افزار و نیروهای رزمی در اختیار دارد و می تواندعلیه کشتی های جنگی امریکا در آب های خلیج فارس و آب های بین المللی درد سر ایجاد نماید. برخی این جنگ افزارها مدرن بوده وتوسط نیروهای نظامی ایران آزمایش شده است.

تأثیرات منفی حمله بر ایران می تواند برای کشورما فاجعه بار باشد، تشدید فعالیت های مسلحانهٔ مخالفان و دست یافتن به سلاح های پیشرفته توسط آن ها، محروم شدن افغانستان از کمک های ایران و از راه های مواصلاتی آن کشور، وابسته گی کامل به پاکستان، افزایش سرسام آور بهای نفت و مواد سوختی و سایر کالاهای مصرفی و احتمال هدف قرار گرفتن افغانستان توسط سلاح های سنگین ایران می توانند از جملهٔ پیامد های فاجعه بار این حادثه باشد.

حملهٔ حزب الله لبنان وگروه های مبارز فلسطینی بر اسرائیل گزینهٔ دیگر جمهوری اسلامی ایران برضد اسرائیل و امریکا خواهد بود، در جنگ ۳۳ روزه در تابستان سال ۱۳۸۵ ، حزب الله ثابت ساخت که نیروی قابل ملاحظه را در اختیار دارد و می تواند دشمن سرسخت و خطرناکی برای اسرائیل باشد، در آن جنگ قدرت هوایی و موشکی عظیم اسرائیل نتوانست سامانهٔ موشکی حزب الله را نابود سازد و در آخرین روز های جنگ، حملات بی امان موشکی حزب الله بر اسرائیل ادامه یافت. فرماندهٔ سپاه پاسداران ایران در مصاحبه اخیر خویش با روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ضربه پذیر بودن اسرائیل به علت نداشتن عمق استراتژیک را، عامل باز دارندهٔ حمله بر ایران خوانده است.

### حمله بر ایران چگونه خواهد بود؟

اکثر کارشناسان فکر می کنند حمله بر ایران از سوی امریکا و اسرائیل، مانند حمله بر رژیم صدام حسین و یا طالبان نخواهد بود و هیچ گاه امریکا در خاک ایران نیرو پیاده نخواهدکرد، چون بنا بر باور کارشناسان و حتی اظهارات فرماندهان امریکایی، ارتش آن کشور توان گشایش جبههٔ سوم را ندارد، اما امریکا و اسرائیل با حملات گستردهٔ هوایی و موشکی مراکز نظامی مخصوصاً اتمی و تأسیسات اقتصادی ایران را، هدف قرار خواهند داد که در نتیجهٔ آن، حکومت ایران با مشکلات بزرگ و غیر قابل کنترل اقتصادی، اجتماعی و امنیتی رو برو خواهد شد. البته در این شکی نیست که اگر امریکا دیگر نتواند سربازان خویش را به کشور سوم بفرستد، قدرت مخرب هوایی و سلاح های دور برد آن کشور می توانند در ساعاتی ضربات جبران ناپذیری بر تأسیسات یک کشور وارد کنند.

اما آیا چنین راهبردی می تواند پیروزی امریکا را تضمین نماید؟

اکنون کمتر کسی می تواند ادعا کند که استراتیژی ضربه از راه دور می تواند پیروزی قاطع امریکا را به دنبال داشته باشد.

تجربهٔ جنگ عراق نشان دادکه اگر، آغاز یک جنگ در اختیار امریکا باشد، ادامه و پایان آن هرگز به دست امریکا نخواهد بود، امریکا شاید بتواند ضربات مهلکی بر تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران وارد کنند، اما به هیچ وجه نمی تواند جمهوری اسلامی را از پای در آورد و در مراحل بعدی که ایران دست به ضد حمله میزند، می تواند ضربات کمر شکنی بر امریکا و اسرائیل وارد کند و شاید امریکا نتواند به آسانی گریبان خود را از چنگ چالش ها و آسیب های بعدی رهایی بخشد.

دشواری که احتمالا ایران می تواند برای امریکا در عراق وافغانستان و دولت های این دوکشور، ایجاد کند، بسیارمخرب خواهد بود، با توجه به این که کشورها و گروه های دیگر در منطقه خواهان ایجاد درد سربرای امریکا بوده و با ایران همکاری خواهندکرد.

### نتیجه گیری

با توجه به چنین پیامد های ویرانگر، می توان حدس زد که، کاخ سفید در حمله بر ایران احتیاط زیادی به خرج خواهد داد و احتمالاً دست به چنین اقدامی خطرناکی نخواهد زد. کارشناسان عقیده دارند، تهدید ایران شاید به منظور اعمال فشار روانی و سیاسی علیه آن کشور به کار گرفته شود، تا در مذاکرات سیاسی بسته های تشویقی گروه (۵ +۱) را بپذیرد و غنی سازی یورانیوم را کنار گذارد موفقیت راه حل سیاسی پایان بخشیدن به بحران هسته یی کوریای شمالی توجه سیاستگزاران کاخ سفید را جلب نموده و هواداران این راه کار را درمیان جمهوری خواهان تقویت نموده است.

در جانب ایرانی نیز نشانه هایی از نرمش به چشم می خورد، اخیراً داکتر علی اکبر ولایتی وزیر خارجهٔ پیشین و مشاور امور بین المللی رهبر ایران، از کارکرد حکومت در زمینهٔ پروندهٔ هستهٔ انتقاده کرده گفته است، ادامهٔ مذاکرات و گفتگو با جامعهٔ جهانی به مصلحت ایران است وی در مصاحبه با روزنامهٔ جمهوری اسلامی اظهار داشت، دشمنان نمی خواهند ایران مذاکره کند.

وزیر خارجهٔ کنونی ایران منوچهر متکی نیز گفته است، پاسخ ایران به بستهٔ پیشنهادی کشورهای پنج جمع یک سازنده می باشد، اما گفته می شود، ایران این بار نیز آمادگی خویش را برای توقف غنی سازی یورانیوم اعلام نکرده است.

فکر می شود، ادارهٔ جمهوری خواهان که اکنون قدرت را در دست دارند، از جنگ های عراق و افغانستان درس گرفته باشند و از دست زدن به قمار جدیدی که نتایج آن برای منطقه وجهان فاجعه بار خواهدبود، پرهیز نمایند. رهبران ایران نیز نشان داده اند از خرد گرایی کافی برای پرهیز از وقوع چنین جنگی برخوردار اند و در صدد جلوگیری از پیشامدهای که کشورشان را می تواند سال ها عقب بیندازد پرهیزکنند، اظهارات اخیر مشاور رهبر ایران شاید نشانهٔ چنین سیاستی باشد.

خاطراتی از استاد برهان الدین ربانی

# خاطره هایی از شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور



**تحلیل من از اوضاع کنونی این است که، ما هنوزهم در طول یک دهلیز تاریک پیش می رویم، دهلیزی که نورکم رنگی در پایان آن دیده می شود. هنوز هم مشکلات فراوانی دامن گیر ماست، امنیت در کشورتأمین نشده وجنگ وخون ریزی متأسفانه ادامه دارد.**

***

**در زمانی که مبارزات نهضت اسلامی در افغانستان آغاز یافت، یکی از جوانانی که ابتکار و فعالیت چشمگیر نشان داد و بسیاردرخشید، انجینرحبیب الرحمن شهید بود، او درانتخابات ۱۳۵۲ به حیث منشی جمعیت برگزیده شد، ارتباط من با مسعود شهید از طریق حبیب الرحمن شهید صورت گرفت**

**از احمد شاه مسعود شهید چه خاطراتی به یاد دارید؟**

از انجینر مسعود شهید خاطراتی زیادی دارم که، نمی توانم دراین وقت کوتاه، دربارۀ آن زیادصحبت کنم، اما اکنون یکی از خاطراتم را حکایت می کنم، در سال ۱۳۷۵ طالبان قسمت های از شهر کابل را تصرف کردند و ما مجبورشدیم به شمال برویم، درکوهدامن که رسیدیم، مسعود شهید، ازمن استقبال کرد، باهم آنجا صحبتی داشتیم، شماری از فرماندهان هم آنجا بودند. من نمونه یک انسان با اراده واستثنایی را در وجود وی دیدم. انسان های استثنایی، یعنی انسان های که وقتی در برابر چالش ها وخطرات بزرگ قرار می گیرند، دست وپاچه نمی شوند ومی توانند تصمیم درست وبه جا اتخاذ نمایند، من چنین ویژگی های را در وجود مسعود شهیدآن روز دیدم. در آن زمان مجاهدین دسته دسته با سلاح خفیف وسنگین، به سوی شمال،عقب نشینی می کردند، او توانست به زودی در همان لحظه آن ها را سازمان دهی مجدد نماید.

**وقتی شما از کابل بیرون می شدید آیا انجینرحکمتیار همرای شما بود ویا در جبل السراج با شما پیوست؟**

وقتی تصمیم گرفتیم عقب نشینی نماییم، به حکمتیار این موضوع را اطلاع دادیم، او هم از کابل یکجا با کاروان های مجاهدین به شمال آمد. شب وقتی با هم نشستیم در ذهن هرکس برنامه های مختلف وجود داشت، ما بیشتر روی برنامه های آینده صحبت کردیم، در همان زمان انجینر احمدشاه مسعود می گفت اگر یک وجب زمین هم دراختیار داشته باشم، مقاومت خواهم کرد ومطمئن هستم که، ما به پیروزی دست خواهیم یافت، احساس دو دلی، شکست وسر درگمی درسیمای او دیده نمی شد، این خاطره از جمله خاطرات فراموش نا شدنی من از انجینر شهیداست.

**در دوران جهاد چه خاطره از آمرشهید دارید؟**

در زمانی که مبارزات نهضت اسلامی در افغانستان آغاز یافت، یکی از جوانانی که ابتکار و فعالیت چشمگیر نشان داد و بسیاردرخشید، انجینرحبیب الرحمن شهید بود، او درانتخابات ۱۳۵۲ به حیث منشی جمعیت برگزیده شد، ارتباط من با مسعود شهید از طریق حبیب الرحمن شهید صورت گرفت، هنگامی که من در قلعه جواد زندگی می کردم، حبیب الرحمن شهید گزارش هایی از فعالیت ها و حوادث روزمره را در اختیار من می گذاشت، او یکی ازروزها به من اطلاع داد جوانی شاگرد لیسۀ استقلال می باشد، بچۀ با استعداد و فعالی است، نامش احمد شاه و از کابل است، بسیار از وی تقدیر کرد، علاقمند شدم او را ببینم، اتفاقاً مصروف شدم و نتوانستم او را زود تر ببینم، اما بالاخره پیش از هجرت او رادیدم، تعریف و توصیف هایی که انجینر حبیب الرحمن شهید کرده بود، در وجود او یافتم.

**به عنوان آخرین سوال اوضاع کنونی افغانستان را چگونه ارزیابی می کنید؟**

تحلیل من از اوضاع کنونی این است که، ما هنوزهم در طول یک دهلیز تاریک پیش می رویم، دهلیزی که نورکم رنگی در پایان آن دیده می شود. هنوز هم مشکلات فراوانی دامن گیر ماست، امنیت در کشورتأمین نشده وجنگ وخون ریزی متأسفانه ادامه دارد.

**پایان**

## امریکا و برنامه های اتومی در ...

این که پاکستان توانست به تکنولوژی هسته یی نظامی دست یابد، در ابتدا از جانب امریکا و غرب زیاد مورد اعتراض نبود اما زمانی که این کشور در عکس العمل به آزمایش اتمی هندوستان دست به انفجاز اتمی در بلوچستان زد، مورد بی مهری امریکا قرار گرفت و تعزیراتی هم علیه این کشور وضع گردید.

امروز ترس از برنامۀ اتمی پاکستان به خاطر این است که، مبادا مسلمانان بنیادگرا به این اسلحۀ خطرناک دسترسی یابند و منافع امریکا و اسرائیل را به مخاطره اندازند. اما داشتن سلاح اتمی برای پاکستان این فایده را داشته که کشور های غربی هم با پاکستان با احتیاط رفتار کنند.

اکنون امریکا و در مجموع جهان غرب در صدد اند تا مانع رسیدن ایران به مرحله یی شوند، که این کشور قادر به ساختن سلاح اتمی گردد. کشوری که نفت دارد نباید به یک حریم غیر قابل تجاوز مبدل گردد.

هرچند تا کنون هیچ نشانه یی از این که ایران قصد ساختن سلاح اتمی را دارد به مشاهده نرسیده، اما این که یک کشور اسلامی دیگر در جهان هم لااقل به مرحله یی رسیده که می تواند مراحل ابتدایی غنی سازی یورانیوم برای مقاصد صلح آمیز را خود سامان دهد، مورد قبول اسرائیل وغرب نیست.

این که ایران واقعاً در معرض خطر حمله قرار داشته باشد جای شک و تردید فراوان است. به نظر می رسد که امریکا این تدبیر را دارد تا در عین زمان خود را در چندین جبهه مصروف نسازد، اما اگر چنین کاری صورت گیرد، شاید از مرحلهء یک حملهء محدود هوائی از گونه ای که اسرائیل علیه عراق در سال ۱۹۸۱ بکار رفت فراتر نرود. اما مشکل اینست که مراکز اتمی ایران بشکل خوبی حفاظت می شود و گفته می شود که تاسیسات حساس آن نیز درعمق زمین قرار دارد. عمقی که شاید بمب های یک تنی نتواند در آن نفوذ نماید.

اما اگر این کار صورت گیرد، وضع در منطقه بشدت بحرانی خواهد شد. تاثیر این بحران بر افغانستان این خواهد بود که ایران به طالبان سلاح و امکانات خواهد داد تا علیه امریکایی ها بجنگند. ایران بعنوان یک همسایهء ثروتمند، پشت جبههء مناسبی برای مخالفین امریکا در افغانستان خواهد شد و این چیزی است که امریکا قبل از حمله به ایران، باید آنرا در نظر بگیرد.

## چالش های جدید برای نیروهای امنیتی ...

همزمان با این ۱۵ تن دیگر از نیروهای پولیس در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب با دو عراده موتر به گروه طالبان پیوسته اند. معاون والی فاریاب پیوستن نیروهای پولیس به طالبان را تایید کرد. بعد از سقوط طالبان این اولین بار است که در ظرف یک هفته به این پیمانه نیروهای پولیس به مخالفان می پیوندند.

پیوستن ۲۹ تن از نیروهای پولیس به شورشیان که ظرف یک هفته صورت گرفت سؤالاتی زیادی را به دنبال دارد، آیا شورشیان با پرداخت پول این نیروها را خریداری می کنند، آیا آنچه کارشناسان رخنه استخبارات خارجی می دانند دراین مساله دخیل است و سربازان، طالبانی هستند که برای تضعیف روحیۀ قوای مسلح از صفوف پولیس ملی جدا می شوند؟ و آیا این سربازان در محلات دور دست از اثربی توجهی مقامات دولتی و نبود امکانات لوژستیکی به این عمل مبادرت می ورزند؟

بعید نیست که وضعیت بد لوژیستکی ونظامی باعث این عمل گردیده باشد، زیرا قبل از این، گزارش های وجود داشت که سربازان پولیس در نقاط دور دست ولایت قندهار از وضعیت طاقت فرسای محل و بی توجهی مقامات وزارت امور داخله شکایت کرده بودند.

اما در هر حالتی، این امر به بررسی جدی وفوری نیازمند است و باید ارگان های امنیتی کشور این زنگ خطر را جدی بگیرند، باتوجه به این خلاها که ذکر شد امیدی برای تقویت پولیس وتأمین امنیت قابل اطمینان در آیندۀ نزدیک باقی نمی ماند وما همچنان وابسته به نیروهای خارجی می مانیم و این وابسته گی دایرۀ بسته یی را تشکیل می دهد که از یک سو باعث گسترش شورش می گردد و ازسوی دیگر تلفات در میان غیرنظامیان افزایش می یابد و از جانب دیگر، ضرورت ازدیاد نیروهای خارجی بیشتر می شود.

## نشست سران گروه هشت ...

در آغاز نشست گروه هشت، خوزه مانوئل باروسو رئیس اتحادیۀ اروپا پیشنهاد کرد که صندوق با بودجه یی متجاوز از یک میلیارد دالر جهت کمک به کشاورزان کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای افریقایی، تشکیل شود. آقای باروسو گفت در نظر دارد حدود یک و شش دهم میلیارد دالر از بودجۀ مورد نیاز را از ذخیره های سوبسیدهای استفاده نشدۀ اتحادیۀ اروپا، تأمین نماید.

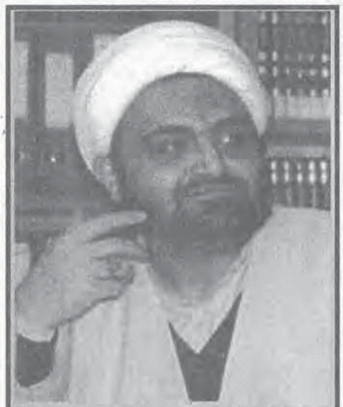
پیش از نشست سران، نشست وزرای خارجۀ گروه هشت به تاریخ ۲۶ جون برگزار گردیده بود. در آن نشست که در شهر کیوتوی جاپان برگزار گردید، اعلامیه یی در مورد افغانستان صادر شد که در آن تعهد خود را در حمایت از افغانستان اعلام کردند. در این اعلامیه ضمن حمایت از دستآوردهای کنفرانس پاریس و استراتیژی انکشاف ملی افغانستان از دولت افغانستان خواسته شده است تا در تطبیق مؤثر و شفاف این استراتیژی تلاش کند. وزرای خارجۀ گروه هشت یک بودجۀ ۴ میلیارد دالری را جهت توسعۀ اجتماعی و اقتصادی، مناطق مرزی میان پاکستان و افغانستان تخصیص دادند.

در نشست سه روزۀ سران گروه هشت، افزایش بهای سوخت و مواد غذایی، گرمایش زمین، کاهش فقر و تجارت از موضوعات اصلی مذاکرات بود.

بان کیمون دبیر کل سازمان ملل در بیانیۀ خویش از سران گروه هشت خواست، جهت حل مشکل آب و هوا، افزایش قیمت غذا و عقب ماندگی راه حل عاجل بیابند.

توافق جهت کاهش تولید گازهای گلخانه یی به منظور جلوگیری از گرمایش بیشتر زمین، از توافقات عمدۀ گروه هشت بود.

در این نشست پانزده کشور به عنوان میهمان شرکت نمودند، پنج کشور در حال توسعه که عبارت از چین، هند، برازیل، مکزیک و افریقای جنوبی می باشد، گروه به نام پنج را تشکیل داده و گروه هشت را متهم کرده اند که تلاش کافی به منظور جلوگیری از کاهش گرمایش زمین انجام نمی دهند، در عوض گروه هشت، به علت کنترل ارزش ارز، گروه پنج را مورد انتقاد قرار می دهند.



# فتح الله گولن روشنفکر جهان شناخته شد

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

**فتح الله گولن مرد ۶۷ ساله از نویسندگان سرشناس ترکیه وجهان اسلام است که به مسلمان نوگرا شهرت دارد.**

**اویکی ازطرفداران صلح از طریق گفتگوی جهانی وتحمل پذیری است**

***

**یکی از اهداف اصلی جنبش گولن جنگ علیه جهالت است و مسلم است که جنگ علیه جهالت خدمت به اسلام است.**

یکی ازپرتیراژ ترین مجله های امریکای موسوم به فارن پالیسی "سیاست خارجی "فهرست یکصد بهترین روشنفکرجهان را به نشر سپرد و بعد ازیک نظرسنجی ازسوی این مجله و مجلۀ انگلیسی موسوم به پر اسپکت، فتح الله گولن، نویسنده و متفکر مسلمان ترکیه به عنوان برترین متفکر وروشنفکر جهان درسال ۲۰۰۸ م شناخته شد.

دربین شخصیت های منتخب اندیشمند مسلمان ترکیه استاد فتح الله گولن " معروف به پدر نسل طلایی جنبش آموزش درترکیه" چهرۀ شاخص ومتبارزمی باشد.

ازجمله چهره های سرشناس جهان که درنتیجۀ بررسی دقیق، شامل فهرست گردیده اند، می توان از نویسنده ایتالیایی اومبراتوایکو و روشنفکر امریکایی، نوم چامسکی ، فیلسوف آلمانی جرگن هبرماس، روزنامه نگار فرید زکریا، اقتصاد دان و مؤرخ برنارد لویس را نام برد .

همین گونه دراین فهرست اورهام پاموک برندۀ جایزه صلح نوبل درادبیات درمقام چهارم و شیرین عبادی برندۀ جایزۀ صلح نوبل درجایگاه دهم دیده می شوند .

دراین فهرست که دو سوم آن را امریکاییان و اروپاییان تشکیل می دهند، معیار اصلی برای انتخاب افرادی بودند که قابلیت تأثیرگذاری را درافکار جامعۀ جهانی درخارج ازمرزها ی سرزمین خود داشته و در رشتۀ خود دارای موقعیت برازنده و ممتاز باشند.

فتح الله گولن دارای گفتمانی خاص درخارج از جامعه اش می باشد که می توان اورا یک مسلمان نمونه ویا الگویی ازمسلمانی در جهان جدید تلقی کرد .

به عقیده دیوید گوهرت سردبیر مجله پراسپکت انتخاب یک مسلمان دردنیا به عنوان اولین اندیشمند جهان، نشانگر موقعیت مسلمانان نسبت به سکولارهاست.

فتح الله گولن درسال ۱۹۳۸م درروستای نزدیک از روم دراناتولی شرقی ترکیه تولد یافت واکنون درامریکا به سر می برد. او درخلال دهه های ۷۰ و۸۰ میلادی به عنوان یک واعظ ومبلغ ازطرف دولت به سراسر ترکیه سفر کرد. یکی ازکلیدی ترین دیدگاه های گولن که طی آن سالها بسط وگسترش فراوان یافت، تلاش آن برای شکل دادن اسلام مدرن بود.

اواین کاررا با مهم جلوه دادن علوم تجربی وطبیعی انجام داد، به تعبیر دیگر، فتح الله گولن یکی ازبهترین راه های معرفی اسلام مدرن را بهره گیری از میراث علوم طبیعی جدید می دانست.

جنبش گولن دردرجۀ اول جنبش غیر سیاسی است، اما یک نوع جهت گیری سیاسی از پیام های آن درک می گردد.

تربیت انسان مدرن دارای اخلاق اسلامی وآموزش دیده درعلم ودانش معاصر نتیجۀ فعالیت های این جنبش بوده است که لاجرم اثر گذاری سیاسی درپی خواهد داشت.

جنبش گولن نوعی اخلاق اسلامی را به وجود آورده است که پایه ومایه آن مساله آموزش است.

پیروان این جنبش بامشارکت درنهادهای آموزشی به بخشی ازجامعۀ مدرن ترکیه تبدیل گردیده اند.

در واقع جنبش گولن مسلمان های مدرن به بارمی آورد که درعمل به شکل گیری جامعۀ مدرن کمک می کنند. پس یکی از وجوه اهمیت گولن آن است که برخلاف جنبش های بنیادگرایانه تنها دربرابر شکل گیری جامعۀ مدرن مقاومت نمی کنند، بلکه به شکل گیری آن نیزکمک می کنند.

دومین وجه اهمیت جنبش گولن را می توان انعکاس آن درشکل گیری فرهنگ توسعه درترکیه دانست.

فعالیت های گولن: تا سال ۱۹۹۰م جنبش گولن چنان گسترده شده بود که ۱۵۰ مدرسه خصوصی، ۱۵۰ مرکزآموزشی جانبی و تعداد بیشتری خوابگاه درنقاط مختلف ترکیه ایجاد کرده بود.

این جنبش درسال ۱۹۹۷ م بیش از ۲۵۰ مؤسسۀ آموزشی و ۲۶۵۰۰ دانش آموزدر دنیا داشت. مشارکت در بخش آموزش نتایج بسیارمهمی دارد.آموزش وسیلۀ بسیارمهمی برای ایجاد سرمایه اجتماعی است.

گولن بانهادهای آموزشی گسترده اش توانسته بود، نسلی را به وجود بیاورد که تحصیل کرده،کاردان وآشنا باجهان مدرن بود ودرعین حال ازنظر ارزشی با سایر گروه ها منجمله پیروان اتاترک تفاوت داشت.

این نسل جوان وتحصیل کرده خواستند به عنوان جانشین طرفد اران کمال اتاترک خودرا معرفی کنند.

هرچند جنبش گولن یک حرکت غیرسیاسی بود، اما جهت تغییرات اجتماعی که پدید آورده بود، به صورت بالقوه توان اثرگذاری درحوزۀ سیاسی را نیزداراست.

گولن دردرجۀ اول متأثر ازسعیدنورسی است، نورسی درپی آن بود که بافعالیت های آموزشی نسلی ایجاد کند که هم دراسلام ریشه داشته باشد و هم دردنیای مدرن وعملی مشارکت کند.

درجریان تحصیل گولن تحت تأثیر حرکت تجدیدی واصلاحی که به وسیله بدیع الزمان سعید نورسی رهبری می گردید، قرارگرفت وگولن به این باوراست که ازمجرای آموزش از افول مسلمانان می توان جلوگیری کرد.

یکی ازمهمترین مؤلفه های گفتمان گولن پیوند اسلام وآموزش است.گولن دربرابراسلام سیاسی اسلام گرایی آموزشی را مطرح می کند. با این وجود عقاید او یک رشته عقاید جزمی و ایدئولوژیک نبوده است و دراثر تجربۀ آموزشی درطول زمان متحول شده است.

گولن تاهم اکنون ۲۲ کتاب خویش را به دست نشر سپرده و دراین کتب مسایل وموضوعات مختلف پیرامون تحقیقات درقرآن کریم، سیره وسنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، فقه، عقیده، تربیت و شعروادبیات را شامل می باشد.

اکثر کتاب ها ی گولن به زبانهای زنده جهان، چون انگلیسی، عربی، المانی، بلغاریایی، البانی، اندونیزیایی، روسی وغیره ترجمه شده است وترجمۀ این کتب درحقیقت پلی بوده است درجهت انتقال تفکر گولن به تفکر جهانی واز طریق این ترجمه ها وکارهای عملی، گولن شهرت جهانی پیداکرد و دکترین آموزشی آن جا یگاه خاصی را درجهان پیدا نمود.

فضای فرهنگی واجتماعی که گولن درآن زندگی می کرد : وقتی گولن وارد فضای فرهنگی و اجتماعی ترکیه گردید، سه موضع اصلی درباب مدرنیته و غرب درترکیه وجود داشت:

۱– طرفداران کمال اتاترک که به کمالی ها مشهور اند، نخبگان کمالی ها که عمدتاً در فرانسه تحصیل کرده بودند عمیقاً به ماتریالیسم و پوزیتویسم گرایش داشتند به نظر آنان علت اصلی عقب ماندگی ترکیه فقدان تکنولوژی علمی است. کمالی ها معتقد بودند که تحول علمی نیازمند یک تحول فرهنگی است. در واقع برای آنکه علم در ترکیه پا بگیرد، باید فرهنگ دینی ترکیه تغییر نماید.

به این ترتیب آن ها تغییر را تنها در حوزۀ علمی وتکنولوژیک نمی دیدند بلکه آنها بر ضرورت تغییر در کل جامعه پا فشاری می کردند. کمالی ها می گفتند اروپا گلی است که باید آن را با خارهایش پذیرفت.

۲– سنت گرایان: سنت گرایان بر خلاف کمالی ها بی دینی را علت سقوط خلافت عثمانی می دانستند. آن ها علم غربی و مدرنیته را مخالف ارزش های اسلامی می دیدند، آن ها معتقد بودند که باید از ارتباط با دولت مدرن و نهادهایش از جمله آموزش اجتناب کرد. آنها در نتیجه این طرز تفکر درجامعه مدرن ترکیه به حاشیه رفتند وموقعیت اجتماعی شان تنزل کرد.

۳– سعید نورسی: او به اهمیت علم پی برده بود، او معتقدبود که علم و اسلام با هم ارتباط درونی دارند. به سخن دیگر اسلام به مسلمانان حکم می کند که علم بیاموزند.

واساساً علم آموزی درراستای مسلمانی است . همچنان او ازخطر تقلید کورکورانه مردم را برحذر می ساخت. به نظر او مسلمانان می بایست به فهمی بومی ازعلم برسند . او این فهم را چنین ترسیم کرد که علم برای فهم قوانین طبیعت وسنن آفریدگار لازم است .

گولن درمدارس دینی تحصیل کرد ودرهمان ایام با نوشته های نورسی آشنایی پیداکرد وتبدیل به یکی ازاعضای فعال جماعت پیروان اوشد.

گولن طی فعالیت هایش متوجه شد که جوانان به دلیل سیاست های دولت، دانش دینی ندارند. اودر این کارش یک اردوگای تابستانی نزدیک ازمیر برپاکرد که درآنجا به تدریس متون کلاسیک دینی وتعالیم نورسی پرداخته می شد.

آنجا به دانش آموزان می آموختند که چگونه هویت اسلامی را در جامعۀ سکولار حفظ کنند. تا این که گولن فعالیت های خودرا توسعه داد و قادر شد خانه هایی برای تدریس علوم دینی ایجاد وخوابگاه هایی نیزبه این منظور تأسیس کند.

گولن درسال ۱۹۹۵ دارای جهت گیری جهانی شد و بر جنبه های جهان شمول اخلاق اسلامی تأکید ورزید وگروه های وسیع تری را جذب کرد. پیروان او برآن بودند که این نوع آموزش راهی است که ترکیه می تواند درکنار ادغام درجهانی شدن هویت خود را نیز نگه دارد، آنها می گفتند آموزش به برقراری ارتباط با افراد دیگر وحل اختلاف کمک می کند.

شیوه گفتمان گولن:گولن سه هدف اساسی را در گفتمان خود دنبال می نمود.

اولاً درپی آگهی دادن به مسلمانان بود ثانیاً می خواست با تأسیس مؤسسات آموزشی رابطۀ بین علم و دین را در ترکیه تقویت کند وآموزه های ماتریالیستی را ابطال کند .ثالثاً اومی خواست با تجدید نظر درقرأت ازاسلام خاطرۀ جمعی ازمسلمانان را بازسازی کند، راهی که او برای رسید ن به این ا هداف برگزیده است، آموزش است.

یکی از اهداف اصلی جنبش گولن جنگ علیه جهالت است و مسلم است که جنگ علیه جهالت خدمت به اسلام است. آنها معتقد بودند که آنچه برای انسان خوب است، برای اسلام هم خوب است، محققان این پدیده را جهان شمول شدن اصول اسلام یا اسلامی شدن نهاد های آموزشی سکولار خوانده اند

فتح الله گولن مرد ۶۷ ساله از نویسندگان سرشناس ترکیه وجهان اسلام است که به مسلمان نوگرا شهرت دارد. اویکی ازطرفداران صلح از طریق گفتگوی جهانی وتحمل پذیری است. موصوف ازسال ۱۹۹۸ بدین سو درامریکا زندگی می کند وآثارش به دلیل دارا بودن تفکرات معنوی و اصلاحی درامریکا از استقبال زیادی برخوردار است.

او درسن بیست سالگی خطیب مسجدی درشهر اورنه ترکیه توظیف گردید و مدت دونیم سال را دراین مسجد به ریاضت پرداخت وکار وعظ وتبلیغ خویش را از مدرسه تحفیظ القرآن درشهر آزمیر آغاز کر د.

آقای گولن درسال ۱۹۷۱ م به اتهام این که برای تغییر اساسات اجتماعی، سیاسی واقتصادی فعالیت می نماید، به مدت شش ماه زندانی گردید، اما با گرفتن برائت وآزادی دوباره با همان شور قبلی به دعوت خویش ادامه داد.

اوفعلاً یکی از نویسندگان پر شور حوزۀ تفکر اسلامی است که تعداد زیادی از خوانندگان کتاب را به سوی خود کشانده است.

## رویدادهای مهم هفته ...

### یک گروپ سربازان پولیس به طالبان پیوستند

یک گروپ پانزده نفری پولیس، روزچهارشنبه ۱۹ سرطان در ولسوالی غورماچ ولایت باغیس به طالبان پیوستند، معاون والی بادغیس با تأیید این خبر گفته است که این سربازان با سلاح دست داشته و دو عراده موتر به گروه طالبان پیوسته اند.

### حمله کوچی ها به بهسود

حاجی محمد محقق نماینده کابل در مجلس نمایندگان به رسانه گفته است که کوچیان بار دیگر بر ولسوالی بهسود هجوم برده و چند نفر را کشته اند، درهمین حال نمایندۀ کوچی ها در مجلس نمایندگان می گوید که باشندگان محل گوسفندان کوچی ها را با خود برده چند تن از کوچی ها را کشته اند.

### کشته شدن یک فرماندۀ طالبان در لوگر

منابع دولتی اعلام کرده اند که شب ۵ شنبه ۱۹ سرطان یک فرماندۀ مهم طالبان را در ولایت لوگر کشته اند، نیروهای افغان وخارجی اعلام کرده اند که این فرمانده در جریان یک عملیات نظامی که از چند روز به این سو در ولایت لوگر راه اندازی شده کشته شده است.

### هالند دو جنرال رژیم کمونیستی را به حبس محکوم کرد

دادگاه عالی هالند به روز ۵شنبه فیصله نهایی در مورد دو تن از جنرالان رژیم کمونیستی را که به ارتکاب جرایم جنگی متهم بودند، صادر کرد.

حبیب الله جلالزی و حسام الدین حسام دوتن از نظامیان رژیم کمونیستی به شکنجه افراد در زمان تصدی شان در ادارۀ خاد متهم بودند به ۹ و ۱۲ سال محکوم شدند.

سازمان خاد در رژیم های کمونیستی در افغانستان، صدها هزار نفر را شکنجه نموده و ده ها هزار تن را بدون محاکمه به شهادت رسانده است.

# پیشینهٔ مداخلات پاکستان در امور افغانستان

ف، سلیمان خیل

چندی پیش آقای کرزی نسبت به مداخلات مستمر پاکستان در امور افغانستان انتقاد شدید کرد. مداخلات پاکستان در امور کشورما پیشآمد تازه نیست، حتا قبل از به میان آمدن پاکستان که انگلیس براین منطقه حکومت می کرد، افغانستان همیشه از ناحیهٔ مداخلات آن کشور دچار اضطراب و بحران بوده است. من جهت روشن شدن موضوع به شواهد تاریخی اشاره می نمایم.

امپراتوری انگلیس به صورت غیر مستقیم زمینهٔ سقوط حکومت امان الله خان را که در برابر انگلیس اعلان جهاد کرد و در نتیجهٔ جهاد ملت مسلمان افغانستان انگلیس ها مجبور شدند استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسند، مهیا ساخت، گرچه امان الله خان با عدم شناخت درست از جامعهٔ افغانی به خصوص بعد از باز گشت از سفر چندین ماهه از اروپا که سخت تحت تأثیر زرق و برق تمدن اروپا قرار گرفته بود، دست به یک سلسله اقدامات زد که بیشتر آن شکلی بود و هیچ نقشی در پیشرفت افغانستان نمی توانست داشته باشد، وبه این ترتیب باعث برانگیختن قهر وخشم ملت گردید ، ولی دراین هم شکی نیست که دست نا مریی انگلیس دراین موضوع دخیل بود وحتی عبدالصمد غوث در اثر بسیار مهمش " سقوط افغانستان " ادعا می کند که لارنس عربی که درسقوط خلافت عثمانی وایجاد دشمنی بین ترکها وعربها نیز نقش کلیدی داشت ، درسقوط امان الله خان نقش خود را ایفا کرد . لارنس درجامه پیری دروزیرستان ومنطقهٔ مسعود اقامت گزید وبنام پیر کر مشاه شهرت داشت.

حینی که مبارزات استقلال طلبانهٔ ملت هند دربرابر انگلیس ها اوج گرفت، هم مسلمان ها وهم هندوها دراین مبارزات سهم گرفتند، بناً طرح تقسیم هند را ریختند، در این تقسیم ازیک طرف موضوع کشمیر را بین هند و پاکستان جدید التأسیس لاینحل ماندند و ازطرف دیگر موضوع خط دیورند را بین پاکستان وافغانستان که بدین ترتیب پاکستان ازروزاول ازیک طرف دردشمنی باهند واز طرف دیگر ، دردشمنی با افغانستان تولد یافت وهمین علت است که اینک باگذشت شصت ویک سال ازتاسیس پاکستان، نه روابط آن باهند حسنه شد ونه هم با افغانستان.

دراین میانه مشکل افغانستان با پاکستان، بیشتر ازمشکل هند باپاکستان است، با آن که هند درسالهای ۱۹۴۷، ۱۹۶۵ و۱۹۷۱ سه بار با پاکستان جنگید که درسال ۱۹۴۸ پاکستان توانست قسمتی از کشمیر را تحت تسلط خود بیاورد ودرسال ۱۹۷۱ پاکستان شرقی را ازدست داد و بنام بنگله دیش کشورجدیدی ازبطن پاکستان بظهور پیوست، زیرا افغانستان به تناسب هند یک کشور کوچک وهم ازلحاظ نفوس وهم از لحاظ رقبه است و ازطرف دیگر محاط به خشکه است که نزدیک ترین راه ترانزیتی آن نیز از پاکستان عبورنموده است که پاکستان هرزمان ازاین سلاح برضد افغانستان استفاده کرده است ، با آنکه این کشور در سال ۱۹۶۵ معاهدهٔ هم به این ارتباط به افغانستان امضانموده است وتا الحال اعتبار آن برجایش باقیست، چنانچه باری درزمان مارشال ایوب خان این راه بسته شد و باز به وساطت رضاشاه پهلوی شاه ایران روابط بر حالت عادی بر گشت.




در سال ۱۳۵۷ کودتای بد فرجام کمونیست ها و به تعقب آن تجاوز نظامی در ششم جدی ۱۳۵۸ ومهاجرتهای میلیونی افغان ها به پاکستان باعث گردیدکه از وضعیت جدید به نفع خود استفاده های بکند، به خاطری که همه کمک های بیرونی که یا به نام مهاجرین یا مجاهدین افغان به پاکستان می آمد از طریق دولت پاکستان وبه خصوص ادارهٔ استخبارات نظامی آن کشور توزیع می گردید، پاکستان درهمین دوران توانست هم از لحاظ اقتصادی وهم از لحاظ نظامی به پا بی ایستد.

**مداخلات پاکستان در امور کشورما پیشآمد تازه نیست، حتا قبل از به میان آمدن پاکستان که انگلیس براین منطقه حکومت می کرد، افغانستان همیشه از ناحیهٔ مداخلات آن کشور دچار اضطراب و بحران بوده است**

پاکستان از همان آغاز جهاد ملت مسلمان افغانستان در برابر روس ها نیات خطرناکی در برابر افغانستان داشت، آن های را که روحیه قوی افغانی داشتند و وارد پاکستان می شدند یا به قتل می رسیدند یااین که آن ها را وا دار به ترک خاک پاکستان می کرد، چنانچه استاد عبدالرحمن پژواک سیاستمدار و دیلومات نامدار افغان را نخست درخانهٔ مسکونی اش نظر بند وبعداً از پاکستان اخراج کرد، استاد به این ارتباط این شعرسوزناک پشتو را سرود:

**یا به نشم مهاجر په دی وطن کی**
**حو پخپله دوی محتاج د انصارانه شی**
**که رحمان او په خوشحال می سلام وایه**
**یاکندبره چی د دوی پرمزارانه شی**

دراین جا لازم می دانم که شهادت دوتن از مجاهدین افغان به دست آی ایس آی را نیز قصه کنم:

۱. قاضی محمدنذیر سعید که در بریتانیا تحصیلات دورهٔ ماستری خود را به پایان رسانده بود، طی کنفرانس مطبوعاتی افشا کرد که پاکستان اسلحهٔ جدیدی را به نام جهاد افغان میاید خود می گیرد وسلاح زنگ زدهٔ خود را به مجاهدین افغان می دهد، آی، ایس آی از این تصمیم او آگاه شده بود واتفاقات زیادی برایش پیشکش نمود تا از عزم خود منصرف شود ولی او نپذیرفت به همین اساس او را در باجور به شهادت رسانید.

۲. انجینر ذبیح الله یکی از قوماندان جهادی ولایت ننگرهار که با نشانه گرفتن بند درونته به فرمایش واصرار یک کرنیل آی ایس آی مخالفت کرد وسیلی محکمی بر روی او نواخت او را آماج مرمی تفنگچه خود نموده به شهادت رسانید که بلافاصله کرنیل مذکور با یک کرنیل دیگر از طرف محافظین ذبیح الله کشته شدند، روح این دوقهرمان وطن خود را ازخداوند شاد می خواهم.

بالاخره پاکستان ( آی ایس آی) در سال ۱۹۸۸، طرح الحاق افغانستان با پاکستان را ریخت وبه تاریخ ۳۰ جون ۱۹۸۸ پیشنهادی به امضای جنرال حمیدگل رئیس آن زمان آی ایس آی به جنرال ضیا الحق زمامدارنظامی آن کشور ارایه گردید، گرچه ضیاالحق در ۱۷ اگیست ۱۹۸۸ در یک حادثهٔ فضایی با جمعی از همراهان نظامی خود در بهاولپور پنجاب از بین رفت ولی آی ایس آی همواره براین سیاست عمل کرد.

گرچه پاکستان در طول این مدت شاهد تحولاتی سیاسی بوده است گاهی نظامیان پاکستان براقتدار آمده اند وگاهی احزاب سیاسی ولی چنانچه دیدیم احزاب سیاسی آن کشور با افغانستان خشنتر از نظامیان عمل کردند، چنانچه جریان طالب در زمان حکومت بی نظیر بوتو بوجود آمد ونواز شریف هم به خصوص در انحلال اردوی افغانستان که اساس آن در دور دوم زمامداری امیرشیرعلی خان گذاشته بود، آخرین تلاش خود را کرد.

آنچه قابل توجه است این است که حکومت ملکی پاکستان هیچگاه صلاحیت تصمیمگیری در عرصهٔ سیاست خارجی را نداشته اند، اکنون که یک بار دیگر حکومت حزب بی نظیربوتو بمیان آمده است و او خود به شکل مرموز بدست عمال آی ایس آی کشته شد، نیز صلاحیت در دست نظامیان پاکستان است ویوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان نمی تواند بدست باز عمل کند ویا پای بند تعهدات خود با افغانستان باشد، شما توجه کنید موافقتنامه حکومت پاکستان با طالبان آن کشور درصورت که ساختار سیاسی – نظامی آن ها با برنامه های که دارند پا برجا باشد، چه معنا می تواند داشته باشد، این درحقیقت یک جست سیاسی است که پاکستان می خواهد از فشاربین المللی برخود بکاهد، درغیر آن همان درک است وهمان خرک.

آنچه پاکستان با افغانستان عمل می کند اظهرمن الشمس است ولی سوال این جاست که افغانستان چه می تواند بکند.

همین حالا صدها وهزاران پاکستانی به خصوص در موسسات افغانی به نام کارشناس استخدام شده اند، همه از دولت افغانستان ویزه دریافت نموده اند وهمه جواز کار ولی سوال این است که دولت افغانستان تا چه حد اطمینان دراد که اگرنه، عده یی از این افراد عمال آی ایس آی نباشند. درزمان ریاست جمهوری استاد ربانی، کرنیل امام یک کار مند ارشد آی ایس آی درهرات به عنوان قنسل پاکستان توظیف شد وهمان جناب بوُد که زمینه رشد طالبان وسقوط دولت استاد ربانی را فراهم ساخت.

هکذا هستند کسانی که در دولت بر پست های قابل حساب دولت تکیه زنده اند ولی خود شان دراین جا در روح وروان شان در اسلام آباد است.

ازطرف دیگر کلید اساسی این معضل در دست ائتلاف نظامی، سیاسی مستقر در افغانستان است، در حالی که یک شبان سرکوه افغانستان ویک دهقان و یک کار گر عادی افغانستان هم می داند که که پاکستان تاچه حدی در امور افغانستان مداخله می کند وهدفش چیست

پس آیا این ائتلاف به رهبری امریکا با آن امکانات و این اطلاعات که در اختیار دارد نمی دانستند که پاکستان چه معامله یی را براه انداخته است، اگر با وجود اصرار دولت افغانستان هم ائتلاف نمی پذیرد پس معلوم است که زیرکاسه نیم کاسه یی وجود دارد وآنچه به راه می افتد از روی یک پلان و یک استراتژی مدرن صورت می گیرد.، چون برخی از کشورهای شامل ائتلاف به نحوی خود را نیازمند به دوستی پاکستان می دانند زیرا آن ها به یک دولت منطقوی نیاز دارند، چون اژدهای چین تازه از خواب بیدار می شود، هند به حیث یک قوت جهانی در حال عرض اندام است، زخم های روسیه درحال التیام است، ایران در حال تبدیل شدن به یک نیروی اتمی است پس در چنین اوضاع واحوال دولت افغانستان باید بی اندیشد و ببیند تا چه می تواند بکند.

هفته نامهٔ

# مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ هشتم شنبه ۲۲ سرطان ۱۳۸۷– ۸ رجب المرجب ۱۴۲۹ – 12, July 2008




# استاد برهان الدین ربانی به کابل برگشت

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت که جهت دیدار مردم و آگاهی از وضعیت ولایات شمالشرق به آن ولایات سفرنموده بود، هفته گذشته به کابل برگشت، استاد دراین سفر از ولایات بدخشان، تخار، قندز، بغلان و پروان دیدار نمود و به مناطق و روستاهای دور دست سفر کرد، استاد از ولسوالی های ولایت بدخشان که نمایندگی آن ولایت را در پارلمان کشور به دوش دارد، سفرنمود و مشکلات آن ها را از نزدیک مشاهده کرد. ولسوالی های وردوج، شهدا، ارگو، کشم، یفتل پایان و فیض آباد مرکز ولایت بدخشان از جمله این مناطق بودند.

هزاران تن درولایات یاد شده استقبال گرمی از رهبر جهاد ومقاومت انجام داده و جهت دیدار و شنیدن سخنان ایشان تجمع نمودند، استاد در سخنرانی های خویش با تشریح وضعیت سیاسی و نظامی کشور، ضرورت اتحاد ویک پارچگی همه احاد ملت را مطرح نموده اظهار داشت، که گروه های جهادی و ملی باید در انتخابات ریاست جمهوری آینده کاندیدی واحدی معرفی نمایند، تا بتوانند آرزوهای مردم رنج کشیده ومصیبت دیده افغانستان را بر آورده سازد.

سفر استاد به ولایات شمالشرق حدود یک ماه را در برگرفت.

## اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت شهادت ...

حاجی حبیب الله پس از پیروزی جهاد به عنوان قوماندان لوای ۷ قندهار ایفای وظیفه کرد وسپس در دوران مقاومت تا آخرین لحظه سنگر دفاع از وطن و آزادی را رها نکرد و در کنار دیگرمقاومتگران نقشی بس ارزنده داشت.

حاجی حبیب الله در انتخابات پارلمانی به عنوان نمایندهٔ ولایت قندهار از سوی مردم برگزیده شد و در مجلس نمایندگان به عنوان یک عنصر فعال و متعهد در جهت منافع ملی افغانستان و تحکیم وحدت ملی و گسترش فرهنگ برادری، خدماتی فراموش ناشدنی انجام داد.

او شب گذشته پس از یک عمر مبارزه و تلاش برای سرافرازی کشور و مردمش با گلولهٔ دشمنان وطن و آزادگی به شهادت رسید.

جمعیت اسلامی افغانستان درحالی که کارنامه های این فرمانده رشید اسلام و وطن را می ستاید، عاملان جبون این حادثه را محکوم می کند، و از دولت می خواهد مجدانه در جهت شناسائی قاتلان حاجی حبیب الله شهید و مجازات آنان اقدام کند وتاکید می نماید که با شهادت دلیر مردانی مانند حاجی حبیب الله هرگز دشمنان وطن و اسلام نمی توانند به مقاصد شومشان دست یابند و باور دارد که خداوند منتقم از آنان دیر یا زود انتقام خواهد گرفت.

جمعیت اسلامی افغانستان از خداوند تبارک، وتعالی برای مرحوم حاجی حبیب الله درجات رفیع دربهشت برین و برای خانواده و دوستانش صبر جمیل و اجر جزیل می خواهد.

**روحش شاد ویادش گرامی باد**

انا لله وانا الیه راجعون

# چالش های جدید برای نیروهای امنیتی



شریف شایق

موضوع تجهیز وآموزش نیروهای مسلح افغانستان هر ازگاهی در محافل سیاسی داخلی وبین المللی مطرح می شود در افغانستان اکثر تحلیل گران مسایل نظامی راه های بهبود امنیت را در تقویت نیروهای داخلی می دانند و بر ضرورت توجه بیشتر به این نیروها تأکید می کنند. اما متاسفانه آن گونه که دیده می شود با گذشت هر روز به جای بهبود درسامان مند شدن نیروهای امنیتی از وجود خلاها در میان این نیروها اخباری منتشر می شود که واقعا نگران کننده است، دوهفته قبل موسسهٔ تحقیقاتی موسوم به ودان افغانستان اعلام کرد که پنج در صد نیروهای امنیتی افغانستان به مواد مخدر معتاد شده اند. رئیس این نهاد گفته بود که نیروهای امنیتی افغان بیشتر در ولایات وردک، پکتیا، پکتیکا، لوگر و غزنی به مواد مخدر معتاد شده اند. موسسه تحقیقی ودان افغانستان هشدار داده بود که با گذشت زمان این آمار افزایش می یابد.

همچنان پیش از این در پیوند به حادثه هشت ثور، دولت کسانی را به اتهام جاسوسی به استخبارات بیگانه از دورن دستگاه های امنیتی گرفتارکرد. طبق تحقیقات، این حمله با همکاری عناصر نفوذی دشمن در داخل دستگاه امنیتی صورت گرفته است. این ها نشانه های ناکار آمدی نیروهای دولتی بوده و همچو مسایل مردم افغانستان را نسبت به این نیروها بی اعتماد می کند و ازسوی دیگر این امر نشان می دهد که در راس قوای امنیتی افرادی که بتوانند مدیریت کنند وجود ندارد.

همچنان در هفته گذشته رسانه ها از پیوستن نفرات پولیس به صف مخالفان مسلح دولت خبر دادند، روزدوشنبه ۱۷ سرطان ۱۴ تن از نیروهای پولیس در ولایت نورستان به طالبان پیوستند، سخنگوی گروه طالبان این عمل تسلیم شدگان را واکنش در برابر کشتار غیر نظامیان خوانده است.

**ادامه درص۵**

## رویداد های مهم هفته

### سخنگوی طالبان از زندان آزاد شد

سه شنبه ۱۸ سرطان روزنامهٔ پیمان از قول یک منبعی که نامش گرفته نشده گزارش داده است که داکتر حنیف سخنگوی گروه طالبان که قبلا از سوی نیروهای امنیتی بازداشت بود، از زندان رها شده و در منطقه اشراف نشین شهر یعنی وزیر اکبر خان مسکون شده است، در گزارش پیمان آمده است که برای این سخنگوی طالبان یک خانه ویک موتر از سوی حامدکرزی تدارک دیده شده است.

### چهارده پولیس به طالبان پیوستند

روز دوشنبه ۱۷ سرطان ۱۴ تن از سربازان پولیس در ولایت نورستان به طالبان پیوستند. این خبر را ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان تأیید نموده است، اما مقامات دولتی دراین باره اظهار بی خبری می کنند.

### کشته شدن یک فرماندهٔ پولیس در ارزگان

یک فرماندهٔ پولیس وسه تن از سربازانش به تاریخ ۱۴ سرطان درولایت ناآرام ارزگان زمانی کشته شدند که موترحامل شان با یک ماین جاسازی شده در کنار جاده برخورد کرد. یک مسؤول فرماندهی پولیس ارزگان گفته است که دراین حمله ده تن دیگر مجروح شده اند.

### حمله به کاروان نیروهای ائتلاف در خوست

نیروهای ائتلاف روز یکشنبه ۱۶ سرطان در ولسوالی علی شیر ولایت خوست مورد یک حمله بمبی قرار گرفتند. گفته شده در این حادثه یک تن از سربازان خارجی زخم برداشته است. اما طالبان ادعا کرده اند که سرنشینان این موتر تماما از بین رفته اند.

### کشف مواد مخدر در هرات

پولیس مرزی ولایت هرات روزشنبه ۱۵ سرطان ۸۷ کیلو مواد مخدر را طی سه عملیات جداگانه به دست آورده است.

### حملهٔ انتحاری در قندز

نیروهای حافظ بین المللی مستقر در ولایت قندز روز یکشنبه ۱۶ سرطان در ولسوالی چهار درهٔ ولایت قندز آماج حمله انتحاری قرار گرفتند. دراین حمله سه کودک دانش آموز دختر مجروح شدند. دراین حمله به سربازان خارجی آسیبی نرسید، اما موتر زرهپوش این نیروها تخریب شد.

### کشته شدن شانزده شورشی طالب درهلمند و غزنی

مسؤولان امنیتی گفته اند که در دو رویداد جداگانه، در ولایات غزنی وهلمند شانزده تن شورشی را به تاریخ ۱۶ سرطان کشته اند. هفت تن از این شورشیان در ولسوالی ناوه ولایت هلمند و ۹ تن دیگرآنان در ولایت غزنی کشته شده اند.

**ادامه در ص۶**